

# ایمان

ویژه نامه دهه فجر  
بهمن ۱۴۰۱

تروریت

علیه تربیت

روح خدا در پاریس

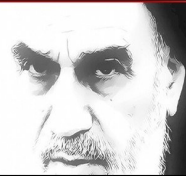
تاثیر

اوکراین، محل تقابل

**TERRORIST**

**تروریست**

**علیه تربیت**



**روح خدا در پاریس**

**تاثیر**



**اوکراین، محل تقابل**



**گاهنامه فرهنگی، سیاسی، ادبی ارمغان**

صاحب امتیاز: ..... جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مدیر مسئول: ..... امیرحسین قاسمی

هیئت تحریریه: ..... حسین امینی، احسان حمیدیان، هادی زارعی، امیرمحمد میر، محسن تقوی مقدم

سر دبیر: ..... علی مسعودی

گرافیکست: ..... محسن ایوبی

گروه صفحه آرایی: ..... محسن ایوبی، هادی زارعی، امیرمحمد میر

ویراستار: ..... حسین امینی، محسن تقوی مقدم



**انقلاب ما بود**



## معنا | تروریست



هادی زارعی



ابتدا با معنی تروریست شروع می‌کنیم:

طرفدار شدت عمل و ایجاد رعب و ترس؛ این کلمه در زبان فارسی متداول به شخصی اطلاق می‌شود که با اسلحه مرتکب قتل سیاسی شود و رجوع به ترور و تروریسم کند.

حال بیابید تعریف مکتبی این کلمه را بدانیم: به فرد، گروه یا دولتی که مکتب تروریسم را پذیرفته باشد و آن را جهت رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش به مرحله اعمال رسانده باشد، تروریست گفته می‌شود. در روزگار نوین، تروریسم یکی از عوامل اصلی تهدید جامعه به‌شمار می‌رود و طبق قوانین ضد تروریسم در بیشتر کشورهای جهان توسط سیستم قضایی، بزه به حساب می‌آید.

خوب با این حساب می‌دانیم دولتی که برای پیشبرد اهداف خود دست به قتل می‌زند تروریست به حساب می‌آید. برای روشن‌تر شدن موضوع، بد نیست به ترورهای کشورهای اروپایی و آمریکا در سال‌های اخیر نگاهی بیاندازیم که در این مقال اصلاً و ابداً نمی‌گنجد و خود کتابی به قامت مجسمه آزادی آمریکا می‌شود.

یکی از بارزترین ترورهای که در کشور عزیزمان ایران انجام شده، ترور سردار دلها در گذشته ای نه چندان دور بود که علیرغم حضور گسترده مردم در مراسم تشییع این شهید و یارانش، آمریکا در نظر برخی از هم‌وطنان کوتاه‌نگر تبدیل به قهرمان شد. در رسانه نیز این سردار بزرگوار نماد تروریسم شد و حتی نام بردن از ایشان ممنوع.

حال کشوری این کار را انجام داد که مسئول فروش جنگنده و سلاح به عربستان در جنگ یمن، بانی وضع موجود افغانستان، عامل جنایت ویتنام، عراق و هزاران متبرک به برکت دموکراسی (!) است.

یک سوال مهم اینکه، چه اسمی برای اعمال ذکر شده آمریکا در نظر می‌گیرید؟ بگذریم.

موضع‌گیری‌های غرب در مورد سازمان‌های مختلف هم بسیار قابل تامل است.

برای مثال، همین سازمان مجاهدین خلق که به طرز عجیبی از لیست سازمان‌های تروریستی بیرون رفت و با سران نامدار آمریکا جلسه برگزار می‌کند و گفته می‌شود رییس جمهور پیشنهادی هم برای روزهای آزادی ایران دارد.

سخن را کوتاه می‌کنم؛ کشورهایی که رزومه‌های این چنین دارند، خود متهم ردیف اول تروریستی بودن هستند؛ اما خوی جنایتکارشان آنچنان اعتماد به نفسی به آن‌ها داده که به راحتی نسبت به سپاه پاسداران و افراد خاص ایران نظر می‌دهند و اهرم فشاری برای ملت ایران به وجود می‌آورند تا سرپوشی بر اقدامات تروریستی خود بگذارند.

روی صحتم با جوانانی است که آمریکا را قهرمان و انگلیس و اروپا را ناجی خود می‌دانند:

قحطی جنگ جهانی اول، کودتای ۲۸ مرداد، ترور دانشمندان و جوانان، تحریم دارو و موشک باران‌های شیمیایی، و هزاران جنایت دیگر در دو بیست سال اخیر، حاصل تلاش‌های آن‌ها در دوران مختلف بوده است؛ کهنه شوی حیاط دشمن نشوید.



## معنا | علیه تربیت

حسین امینی



- از دانش‌آموز منفعل به متربی فعال در محیط‌های تربیتی  
- از رقابت‌های فردی و تنش‌زا به رفاقت‌های جمعی و تعالی بخش

بعد از تغییر سیستم آموزشی از ۴-۵ به ۳-۳-۶، کتاب‌های درسی جدید، مثل تفکر و پژوهش، سبک زندگی، مدیریت خانواده و سواد رسانه به مدارس آمد تا مهارت‌های زندگی و روش تفکر هم آموخته شود؛ اما حالا که ۱۲ سال از تصویب سند تحول گذشته و به سر رسیدن آن نزدیک می‌شویم، به وضوح می‌توان دید که این سند چندان عملیاتی نشده؛ دروس جدید به سرنوشت قدیمی‌ترها مبتلا گشته و به جز مواردی خاص - که از ذوق و احساس مسئولیت معلمان دلسوز است - از همان حفظیات فراتر نرفتند.

حال اگر متغیر کنکور را هم وارد معادله کنیم، اوضاع بدتر می‌شود. در بسیاری از مدارس، حتی مدارس دولتی، این کتاب‌های جدید تدریس نمی‌شود! بلکه سهم آن‌ها از کلاس به ریاضی و علوم، یا فیزیک و زیست می‌رسد.

این تغییر برنامه در مدارس متوسطه دوم برای آن رخ می‌دهد که دانش‌آموز را برای کنکور آماده کنند؛ و در متوسطه اول، برای آنکه دانش‌آموز بتواند به مدارس برتر - تیزهوشان، نمونه دولتی - راه پیدا کند و موفقیتش در کنکور تا حدودی تضمین شود. راه موفقیت در کنکور از مدارس خوب می‌گذرد و در این راه چیزی که اهمیت ندارد، «تعلیم و تربیت» است.

ظاهراً هرچه زمان می‌گذرد، ماجراها، حواشی و همینطور تلخی‌های آزمون سراسری هم بیشتر می‌شود.

کنکور ۱۴۰۲ در شرایطی برگزار شد که فعلاً خبری از رتبه‌ها نخواهد بود. شیوه‌نامه‌ی جدید، دو آزمون را در هر سال پیش‌بینی کرده که نتایج آن‌ها باهم ادغام و در یک کارنامه صادر می‌شود. این تغییرات را می‌شود از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد؛ تأثیر بر اقتصاد، نرخ بیکاری، فرهنگ، رشد علمی کشور و ... اما سوالی که باید محور تمام این مسائل باشد، این است که

«آیا این تغییرات در خدمت تعلیم و تربیت است؟»

امروزه برنامه‌ی درسی رسمی ما، شامل مجموعه‌ای از دانش‌های تخصصی هر رشته و دانش عمومی در زمینه‌های ادبیات، تاریخ، زبان عربی و انگلیسی و ... است. خیلی‌ها به این محتوا - چه عمومی چه تخصصی - نقد وارد می‌کنند که کاربردی نیست و در بند حفظیات افتاده؛ این نقد البته به جاست.

سال ۱۳۹۰ «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تصویب شد تا نظام تربیت رسمی در افق ۱۴۰۴ دگرگون شود. در این سند جامع موضوعات مختلفی از جمله این چرخش‌های تحول آفرین مطرح شد:

- از انباشت اطلاعات و حافظه محوری به کسب شایستگی‌ها در تمام ساحت‌های تربیت



بماند که در مدارس دولتی خیلی از معلمان که دروس عمومی را تدریس می‌کنند شایستگی این کار را ندارند و رشته تخصصی‌شان متفاوت است. در این شریط، دانش‌آموزی که بخواهد به مراتب بالای آموزش عالی برسد نیز ناگزیر است خیلی چیزها - از جمله فرهنگ و تربیت - را برای موفقیت فدا کند.

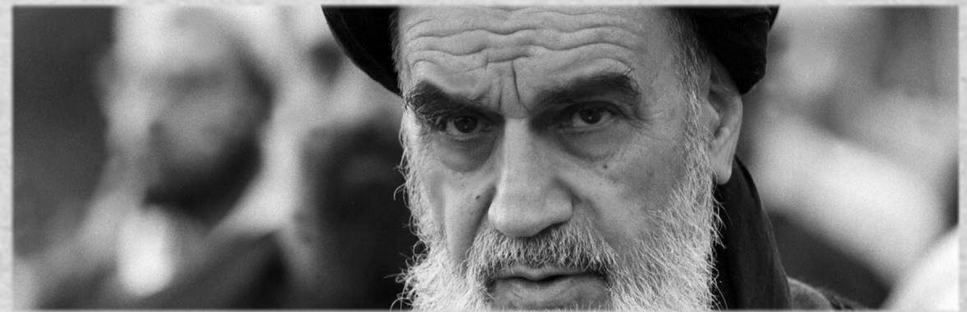
حواشی کنکور هیچ‌وقت تمامی ندارد. در مورد قطع اینترنت و انتشار سوالات در فضای مجازی، یا وعده های برگزاری الکترونیکی آزمون همیشه صحبت می‌شود؛ اما انگار کسی به فکر تربیت نیست. رشد و توسعه‌ی حقیقی جامعه به تربیت افراد آن وابسته است؛ نه تعداد دکتر و مهندس‌ها. پازل تعلیم و تربیت زمانی کامل می‌شود که «تکه‌ی کنکور» درست سر جای خودش باشد!

سال ۴۸ نخستین کنکور ایران به صورت کوتاه پاسخ و با جمعیت حدود ۵۰ هزار نفر برگزار شد. قطعاً چنین آزمونی می‌توانست بستری بهتر برای سنجش میزان درک مطلب باشد؛ اما افزایش جمعیت متقاضی به حدود یک میلیون این روش را ناممکن می‌سازد. حالا ما هستیم و یک آزمون تستی که دروس عمومی هم از آن حذف شده!

حذف دروس عمومی و تاثیر قطعی معدل، شکاف طبقاتی کنکور را عمیق‌تر می‌کند. دانش‌آموزی که در شمال تهران درس می‌خواند، و برای ثبت‌نام در فلان مدرسه حتی از پدر و مادرش نیز مصاحبه شده، با دانش‌آموزی که در جنوب شهر در کلاس ۳۵ نفره می‌نشیند، آموزش برابر می‌بیند؟ آیا ملاک معلم‌هایشان برای نمره دادن یکسان است؟

## مقاله | روح خدا در پاریس

محسن نقوی مقدم



روح‌اله موسوی خمینی فرزند سید مصطفی، ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ در خمین (از توابع استان مرکزی) چشم به جهان گشود.

در همان کودکی درس را آغاز کردند و پس از آن به مکتب رفتند. بعد از اتمام مکتب به مدرسه‌های جدید رفتند. و با پایان آن، تحصیل علوم اسلامی را نزد دایی و برادرشان آغاز کردند.

سال ۱۳۳۹ ه.ق امام خمینی برای تکمیل تحصیلات خود به اراک رفتند. همزمان با عزیمت آیت‌ا... حائری به قم، امام نیز به قم رفتند و در ۲۵ سالگی سطوح عالی حوزه را به پایان رساندند.



تدریس علوم منقول و خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۲۵ ه.ش. همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی به قم آغاز کردند.

در دوران تبعید در شهر نجف هم با اصرار طلبه‌ها درس را آغاز و بهمن‌ماه ۱۳۴۸ درس ولایت فقیه را در ۱۳ جلسه ارائه کردند.

در ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۳ و در اوضاع آشفته و فضای آزادی نسبی پس از رضا پهلوی، امام در پیامی به ملت، از قیام برای خدا صحبت کرده‌اند و آن را تنها راه اصلاح دو جهان نامیده‌اند.

امام، در مهرماه ۴۱ در خصوص لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مورد تصویب دولت قرار گرفت، در تلگرافی به علم نوشتند: «مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.»

اندکی پس از غائله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه برای طرحی با عنوان «انقلاب سفید» اعلام فرمود کرد. امام در بیانیه‌ای صریح چهار روز پیش از فرارندوم، آن را مخالف اسلام و قانون اساسی قلمداد کرد.

در فروردین ۱۳۴۲ بعد از حمله ماموران به فیضیه امام در سخنرانی خود از سکوت بزرگان گلایه می‌کنند: «امروز سکوت، همراهی با دستگاه جبار است». روز بعد بیانیه‌ای را منتشر می‌کنند و به صراحت از علما می‌خواهند که تقیه را رها کنند و می‌افزایند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مامورین شما حاضر کرده‌ام».

در شرایطی که ساواک از سخنرانان برای عدم تعرض به شاه و اسرائیل تعهد گرفته بود، امام در عاشورای سال ۱۳۴۲ در سخنرانی خود به شدت به شاه و دخالت‌های اسرائیل انتقاد کردند. همان شب امام دستگیر شدند و از قم به تهران اعزام شدند. با قیام مردم تهران و ورامین و فشار علما، حکومت مجبور به آزادی ایشان شد.

۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ لایحه کابینتولاسیون در مجلس تصویب شد. خبر که به امام رسید، پیام هشدارآمیز صادر کردند. امام در ۱۳ آبان‌ماه با چند روز تأخیر به دلیل برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا دستگیر و به ترکیه تبعید شدند. اقامت امام خمینی در ترکیه یازده ماه به درازا کشید.

امام و فرزندانش مهرماه سال ۱۳۴۴ به نجف تبعید شدند. اول آبان ۱۳۵۶ خیر درگذشت سید مصطفی، فرزند امام، بدون سابقه بیماری موجب حیرت شد. به موجب این اتفاق، امام در پیامی شرایط کشور را مصیبت بارتتر دانستند. لحن پیام امام، شاه را به خشم آورد و دستور داد در مقاله روزنامه اطلاعات به امام حمله کنند. مردم در اعتراض و جسارت به امام، در قم قیام کردند که با سرکوب مواجه شد. شهرهای ایران در چهلم شهدای شهرهای پیشین ملتیب می‌شد و امام برای هر کدام از این اتفاقات پیام می‌دادند.

با اوج گرفتن فعالیت‌های امام، ماموران حکومت عراق خانه امام را محاصره کردند و رفت و آمد به آن را قطع کردند. با افزوده شدن فشارها تصمیم گرفتند که به پاریس بروند و در پاریس به مصاحبه با رسانه‌های گروهی و تبیین دلایل و برنامه‌های انقلاب اسلامی پرداختند.

امام پس از سال‌ها دوری از وطن، سرانجام ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ وارد ایران شدند. ایشان با صدور اطلاعیه‌ای در مورد حکومت نظامی ۲۱ بهمن، آن را خدعه خواندند و از مردم خواستند که به آن اعتنا نکنند که این اقدام باعث به ثمر نشستن نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی شد.

امام از همان ابتدا بر برگزاری فرارندوم اصرار کردند تا نهایتاً در ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ مردم در رای قاطع به جمهوری اسلامی آری گفتند.

در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۸ پزشکان وجود سرطان معده را تایید کردند. در دوم خردادماه امام تحت عمل جراحی قرار گرفتند. و نهایتاً پس از حدود ۱۰ سال رهبری انقلاب اسلامی، شبانگاه سیزدهم خرداد روح امام برای همیشه آرام گرفت.

## مقاله | تاثیر

امیرمحمد میر



پیوند روحانی و دانشجو بردارد، تحصیل در دانشکده را انتخاب نمود و با این عمل خویش افکار حوزه را در دانشگاه رسوخ داد.

از جمله اقدامات مهم شهید بهشتی باید از تأسیس مدرسه منتظریه قم نام برد. این مورد که به کمک همزمانش از جمله شهید قدوسی تأسیس شد، برنامه‌های منظمی جهت تحصیل طلاب علوم دینی و تحصیل بر اساس روش جدید ارائه شده از جانب آن شهید کسانی که در این مدرسه پرورش یافتند، مهم‌ترین و بیشترین نقش و سهم را در مبارزه با رژیم پهلوی داشتند و پس از پیروزی انقلاب نیز خدمات بزرگی را به جامعه انقلابی ایران ارائه داده و می‌دهند.

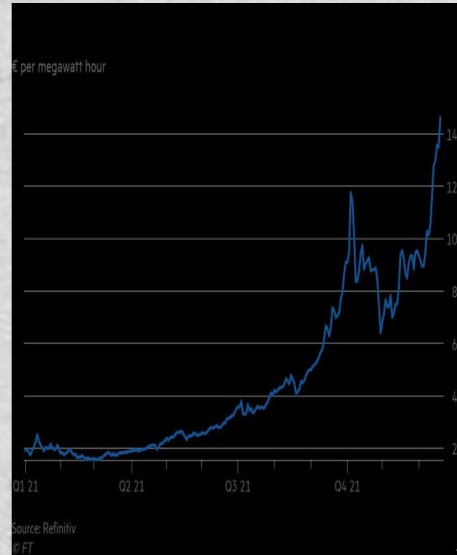
شهید بهشتی در دوران پهلوی علاوه بر تأسیس مدرسه، به منصب تألیف کتب درسی رسید. رسیدن به این جایگاه، دشواری‌های بسیار فراوانی داشت و ایشان برای نیل به آن سال‌ها تلاش می‌کرد. تا اینکه مرحوم برقی توانست مسئولین آموزش و پرورش را متقاعد سازد که حضور شهید بهشتی ضرری نخواهد داشت و قرار است در کتب دینی فقط یک‌سری مسائل دینی و اخلاقی مطرح شوند. به این ترتیب راه بسیار مهم و مؤثری در جهت تربیت نسل جوان گشوده شد و این جمع توانستند از طریق تألیف کتب دینی به ترویج باورهای دینی در نوجوانان و جوانان که قرار بود بار انقلاب اسلامی را به دوش بکشند بپردازند.

وجه معلمی شهید بهشتی در جامعه کمتر مطرح شده است؛ کسی که حتی در دوران شاهنشاهی نیز در تعلیم و تربیت فعال بود. شهید مظلوم بهشتی همواره از جدایی دو قشر تحصیل کرده جامعه، یعنی طلاب علوم دینی حوزه‌های علمیه و تحصیلکرده‌های مدارس دانشگاه‌ها رنج می‌برد و همواره تلاش می‌کرد تا این دو قشر را به هم نزدیک کند.

او برای رسیدن به این هدف دبیرستانی در قم تأسیس نمود و بدینوسیله محلی برای آشنایی و تماس روحانیون و دانش آموزان بوجود آورد. نام این دبیرستان نیز به پیروی از سیاست پاک و والای آن شهید که می‌خواست قشر روحانی و نسل جوان با هم در تماس و مرتبط باشد، «دین و دانش» گذاشته شد. دبیرستان دین و دانش که در سال ۳۳ در قم تأسیس شد. اولین اقدام مهم آن شهید جهت مبارزه با سیاست استعماری جدایی دو قشر روحانی و دانشجو بود.

شهید بهشتی دانشگاه را نیز از نظر دور نمی‌داشت. او در همان حین که در حوزه علمیه قم عالی‌ترین مقام علمی را کسب کرد و به درجه اجتهاد نائل آمده بود و از مدرسین حوزه علمیه محسوب می‌شد، در تهران دوره دانشکده الهیات و معارف اسلامی را تا اخذ درجه دکترا طی نمود. و با اینکه نیازی به تحصیل در دانشکده نداشت و خود از اساتید فاضل بود، برای اینکه بتواند گام‌هایی مؤثر در جهت

## مقاله | اوکراین محل تقابل



«عملیات ویژه نظامی»، نامی بود که پوتین رئیس جمهور روسیه، همزمان با آغاز حمله نظامی به اوکراین، روی این اقدامش گذاشت. با اینکه آتش جنگ به سرعت در سراسر مرزهای مشترک اوکراین با روسیه و بلاروس روشن شد، اما اتفاقات اصلی، فرای میدان جنگ و در سراسر دنیا در حال وقوع بود. جنگی که در ظاهر فقط بین روسیه و اوکراین بود اما در واقع کل ناتو و غرب با روسیه می‌جنگید و آثار این جنگ، تمامی دنیا را تحت تاثیر قرار می‌داد.

هر جنگ و نزاعی علت‌هایی دارد و این جنگ هم از این قاعده مستثنی نیست؛ برای فهم بهتر علل این جنگ، باید حداقل چند دهه‌ای را به عقب سفر کنیم. بعد از تشکیل ناتو، کشورهای عضو این اتحادیه به دنبال گسترش و تقویت آن بودند. یکی از سیاست‌هایی که در این جهت اجرا شد، گسترش ناتو به شرق بود. با فروپاشی شوروی و از بین رفتن معاهده ورشو، سازمان ناتو تعهد داد که از این سیاست صرف‌نظر کرده و بیشتر از این روسیه را در معرض خطر قرار ندهند؛



احسان حمیدیان

اما آنها برای مهار و تضعیف بیشتر روسیه، همچنان این سیاست را پی گرفتند؛ به طوری که حتی کشورهایی که قبلاً عضو معاهده ورشو بودند نیز یکی پس از دیگری به ناتو پیوستند؛ در ابتدا چک، مجارستان و لهستان و در ادامه بلغارستان، استونی، لتویا، لیتوانی، رومانی، اسلواکی و اسلوانی. همچنین آلبانی، کرواسی، مونتنگرو و مقدونیه نیز بعداً به این سازمان اضافه شدند. تحمل این موضوع برای روسیه به شدت دشوار بود. تا جایی که وقتی نوبت به اوکراین رسید، به صورت صریح مخالفت خود را نشان داد و مانع پیوستن آن به ناتو شد.

با گذشت چند سال و روی کار آمدن یک چهره صهیونیست به نام زلنسکی، دوباره بحث پیوستن اوکراین به ناتو داغ و این بار جدی‌تر شد. در صورت تحقق این امر، فاصله ناتو تا مسکو به زیر ۵۰۰ کیلومتر می‌رسید. جدای این موضوع، ناتو می‌خواست با طعمه قرار دادن اوکراین، روسیه را مستهلک و تضعیف کند و از هیچ کاری برای تحریک روسیه دریغ نمی‌کرد. روسیه باید کاری می‌کرد؛ یا خفت و تضعیف بیشتر را می‌پذیرفت یا دست به یک اقدام محکم می‌زد.



از جمله گندم و غلات که به وفور در اوکراین کشت می‌شد و با کاهش حداکثری صادراتش، در بازار جهانی کم‌یاب و گران شد. در ادامه غرب با وضع شدیدترین تحریم‌های ممکن علیه روسیه، سعی کرد تا تورم را در روسیه بالا برده و باعث فروپاشی آن از داخل شوند. اما این تمام ماجرا نبود. ملت روسیه از هر پدیده‌ای که غرب روی آن مسلط بود محروم شد؛ حریم هوایی کشورهای غربی، مسابقات ورزشی، جشنواره‌ها، سایت‌ها و... از آن سو برای مبارزه با تحریم‌های اقتصادی، روسیه دو راهکار اصلی داشت؛ استفاده از تجربه ایران در خنثی‌سازی تحریم و حذف دلار از معاملات تجاری‌اش. استفاده سلاح‌گونه غرب، به ویژه آمریکا از دلار، موضوع تازه‌ای نبوده و حذف دلار از تعاملات، اهداف بسیاری از کشورهای شرقی است، اما این جنگ باعث تسریع این امر، نه تنها در روسیه، بلکه در باقی کشورها شد. در مقابل اقدامات غرب، روسیه نیز حریم هوایی خود را بر کشورهای هدف که پیش‌تر این کار را کرده بودند بست؛ این امر با توجه به پهناور بودن روسیه وزن پیدا می‌کند. همچنین روسیه صادرات گازش را به اروپا قطع کرد تا اروپا با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های خود مواجه شود. کمبود انرژی به سرعت تأثیرش را روی قیمت‌ها گذاشت. اما قرار بود وضع وخیم‌تر شود؛ با گذشت ۶ ماه از شروع جنگ، هوا رو به سردی رفت و اهمیت انرژی بیش از پیش دیده می‌شد. اروپا سریعاً راهکارهایی برای مدیریت انرژی ایجاد کرد اما این راهکارها عموماً مربوط به کاهش مصارف بودند و چیزی نتوانست جلوی کمبود انرژی و افزایش قیمت آن را بگیرد. در مواردی حتی گاز به مصارف شهری نمی‌رسید و در بسیاری از شهرها، توزیع هیزم تنها راه ممکن بود. مسائلی که درباره کمبود گاز در اروپا مطرح می‌شود، مختصات یک بحران تمام عیار را دارند؛ اما چرا کمتر کسی این بحران را می‌بیند؟ زیرا تیتیر خبرها این‌گونه است: "فرانسه شکستن رکورد کاهش مصرف گاز را جشن می‌گیرد!" گذشته از این، با کند شدن پیشروی روسیه و قفل شدن جنگ، به نظر می‌رسد نبرد اصلی در بعد اقتصادی جنگ در حال وقوع است؛ به این صورت که طرفین تا سقوط و فروپاشی یک سمت، به مستهلک کردن یکدیگر ادامه می‌دهند.



قفل شدن جنگ اصلاً به نفع روسیه نبود. تهدیدات حمله اتمی نیز به همین علت بود؛ اما روسیه چیزی فرای تهدید می‌خواست. تا این که توانست یک برگ برنده رو کند و آن پهپادها بودند.

پهپادهای انتحاری کوچک‌جثه که خواب را از چشمان سربازان اوکراینی می‌گرفتند. پهپادهای انتحاری یا کامیکازه به نوعی از پرنده‌های بی‌سرنشین گفته می‌شود که با قصد تخریب و انفجار، خود را با سرعت بالا به هدف می‌کوبند. با توجه به کاربرد این پهپادها، اندازه و ابعاد آنها باید کوچک باشد تا ردگیری و انهدام آنها سخت شود. همچنین برای سخت‌تر شدن ردگیری، جنس بدنه تغییر کرده و قابلیت مانور و کنترل به آنها اضافه می‌شود. به علت این که بعد از برخورد، چیزی از پهپاد برای استفاده مجدد باقی نمی‌ماند، ساخت آن نیز باید با کمترین هزینه ممکن صورت گیرد.

در بین پهپادهای مورد استفاده احتمالی روسیه، بیش از همه نام پهپاد ایرانی شاهد۱۳۶ به گوش می‌خورد. با توجه به روابط نزدیک دو کشور، تعدد پروازهای باربری از ایران به روسیه، قراردادهای نظامی بین طرفین و البته شباهت ظاهری بسیار پهپادهای روسیه به شاهد۱۳۶، استفاده روسیه از پهپاد ایرانی دور از انتظار نیست. اما نکته قابل توجه هزینه ساخت آن است که تا سقف ۵۰ هزار دلار تخمین زده می‌شود. این قیمت به مراتب از موشک‌های پدافندهایی که برای شکار این پهپاد استفاده می‌شود ارزان‌تر است و دشمن را در دوراهی دو سر ضرر قرار می‌دهد. به علاوه، رهگیری این پهپاد به شدت دشوار بوده و سیستم‌های پدافندی بازدهی پایینی در شکار آنها از خود نشان می‌دهند. ژنرال مک‌کنزی، فرمانده نیروهای تروریستی سنتکام، در یک نشست مطبوعاتی گفت: "ایران برای اولین بار بعد از جنگ کره (در سال ۱۹۵۰)، برتری مطلق هوایی ما را در منطقه گرفته است."

در یک نگاه جامع‌تر، این جنگ یک جنگ عادی نیست؛ بلکه می‌توان آن را نزاعی بین کشورهای شرقی و ناتو دانست. در واقع تحولاتی جهانی در سایه این جنگ در حال وقوع می‌باشند که در پی آنها قدرت‌های غربی تضعیف و قدرت‌های شرقی اوضاع را به دست خود می‌گیرند؛ به بیان دیگر، این جنگ یک فرایند دردناک در تغییر نظم جهانی است. نظمی که از دنیای تک‌قطبی - آمریکایی خارج شده و تبدیل به یک جهان چند قطبی خواهد شد. در این بین اما نگرانی همه، فراگیر شدن جنگ به نقاط مختلف دنیاست؛ نقاطی که وقوع درگیری در آنها دور از تصور نیست.

از جمله این نقاط می‌توان به تایوان اشاره کرد که محل نزاع چین با آمریکا شده است. در صورت بروز یک جنگ دیگر، این بحران به راحتی می‌تواند به فاجعه‌ای بزرگ تبدیل شود؛ یک جنگ جهانی تمام عیار که احتمال استفاده سلاح‌های هسته‌ای در آن بسیار بالاست.

اگر وقایع قبل از آغاز جنگ را دقیق‌تر بررسی کنیم، درمیابیم که با وجود این که آغاز حمله از سمت روسیه بود، اما اقدامات ناتو آغازکننده اصلی جنگ بود. انواع مختلف کارها برای تحریک روسیه انجام شد تا اوکراین و مردمش، به لطف دولت غربگرای زلنسکی، قربانی اصلی این جنگ باشند. به راستی اگر ناتو دغدغه صلح داشت، نمی‌توانست از پیوستن اوکراین صرف نظر کند؟ آیا واقعا هدف پیوستن اوکراین به ناتو بود یا برای غرب تبدیل اوکراین به باتلاق و غرق کردن روسیه در آن هدفی جذاب‌تر بود؟ اما با این وجود در اذهان عمومی، مقصر اصلی شخص ولادیمیر پوتین است که با طمع سیری ناپذیر خود می‌خواهد اوکراین را ضمیمه خاک روسیه کند. تأثیر رسانه، این روزها به موضوعی انکار ناپذیر در کنترل اذهان و افکار مردم تبدیل شده است و فقط به مسئله جنگ اوکراین مربوط نمی‌باشد.

بلافاصله قبل از شروع جنگ، روسیه استقلال دو منطقه در شرق اوکراین را به رسمیت شناخت و ارتش روسیه وارد این مناطق شد. در مرحله بعدی با اعلان جنگ، ارتش پیشروی را در اوکراین ادامه داد. این اقدام یک غافلگیری برای غرب بود؛ زیرا آنها فکر می‌کردند که روسیه مستقیماً اعلان جنگ خواهد کرد. پیشروی در ساعات و روزهای اول دشوار نبود، اما با گذشت اندکی زمان و رسیدن کمک‌های لجستیکی ناتو و سربازهای آموزش دیده‌ای که تحت عنوان داوطلب آزاد به اوکراین اعزام شده بودند، پیشروی کندتر و کندتر شد. عموم تجهیزات ارسالی ناتو، استحکامات دفاعی، سلاح‌های سبک، سلاح‌های ضدتانک و پدافندهای هوایی برای مقابله با تانک‌ها و هوایماهای روسی بود.

در میدان، شرایط بیشتر به نفع روسیه به نظر می‌رسید اما در یک حوزه، روسیه در همان ساعات آغازین جنگ شکست خورد و آن، حوزه رسانه بود. رسانه‌ها به سرعت و با بیشترین توان ممکن، پروپاگاندا و روایت سازی را علیه روسیه شروع کردند؛ "روسیه استعمارگر"، "پوتین در حال کشورگشایی" و... موج نفرت از روسیه و به ویژه شخص پوتین در اذهان عمومی پمپاژ شد و او را در عرض چند روز به شخصی منفور و شیطان‌صفت تبدیل کرد. در این میان اما قهرمانی جدید معرفی شد. ولادیمیر زلنسکی، یک یهودی صهیونیست که با حمایت غرب، قدرت را در اوکراین تصاحب کرده بود، با عکس‌ها و ویدئوهای هالیوودی، خود را ناجی مردم اوکراین معرفی می‌کرد. او که پیش‌تر در بازیگری به شهرت رسیده بود، از هیچ کاری برای خوش‌خدمتی به صهیونیسم بین‌الملل دریغ نکرده و آثار و اقداماتش به وضوح اثباتی هستند بر این ادعا. تلفات غیرنظامیان، متأسفانه طبیعت یک جنگ است. اما فرستادن غیرنظامیان به کام مرگ یا سواستفاده از تلفات موضوع دیگری است؛ برای مثال، ارتش اوکراین با قراردادن توپخانه‌های خود در میان شهرک‌های مسکونی، از شهروندانش به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. ارتش روسیه یا باید شاهد افزایش تلفات سربازانش توسط آن توپخانه باشد، یا با هدف قراردادن آن جان غیرنظامیان را بگیرد و خوراکی چرب به رسانه‌های غربی تقدیم کند. آغاز جنگ، اولین تأثیرش را روی قیمت جهانی کالاها گذاشت. بلافاصله بعد از شروع جنگ قیمت‌ها بالا رفتند و در این بین قیمت برخی سر به فلک کشید؛

جهت عضویت در کانال ایتا  
تلگرام یا صفحه اینستاگرام  
جامعه اسلامی دانشجویان

دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

و ارتباط با ما از راه های ارتباطی زیر استفاده نمایید

 @srttu\_jad

 @jadsrttu

 @srttu\_jad

 @jadsrttu

 @jadsrttu